

مراسم دعای ندبه (جلسه بیست و هفتم)

مقدمه

در جلسه‌ی گذشته به طور مفصل در مورد تفاوت معجزه و کرامت با سحر و جادو صحبت کردیم. در این جلسه به ادامه‌ی شرح دعا و توضیح فراز «وَكُلُّ شَرَعْتَلَهُ شَرِيعَةً وَ نَهَجْتَلَهُ مِنْهَا جَاءً وَ تَخَيَّرْتَلَهُ أَوْصِيَاءً» می‌پردازیم.

همه مسلمان هستند

پیشتر اشاره کردیم که همه‌ی انبیاء، مسلمان (تسلیم امر خدا) بودند؛ اما شریعتشان بنا به مقتضیات زمان فرق می‌کرد؛ یعنی دینشان اسلام بود و منہاج و شریعتشان مثلاً توراتی. شَرَعَه یا شَرَعَه به معنی نهر نازک یا جویبار است. ما وقتی رودی کوچک را دنبال می‌کنیم به رودخانه‌ای بزرگتر می‌رسیم با ادامه دادن آن به دریا و با دنبال کردن دریا به اقیانوس می‌رسیم. در واقع معنای آن این است که تو از شریعت خود دنباله‌روی کن تا به اقیانوس اسماء و صفات‌الله برسی. شریعت راه است، آدرس نیست، تو را همراه خود می‌برد.

راه روشن شریعت

نَهَج نیز به معنی راه روشن است؛ مثل راه و مسیری که تیر چراغ برق یا نورافکن دارد. دعا از منہاج سخن می‌گوید؛ یعنی شریعت مسیری است که خدا قطعاً باید آن را روشن کند تا برای مردم بهانه‌ای باقی نماند. خدا در آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی مائده می‌فرماید: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شَرِيعَةً وَ مِنْهَا جَاءً وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ»؛ «ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه‌ی روشنی قرار دادیم و اگر خدا می‌خواست، همه‌ی شما را امت واحدی قرار می‌داد؛

ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید» یعنی منهاج و راه روشن هر شریعت بنا بر مقتضیات زمان آن جامعه است. انگار خدا می‌خواهد ببیند آیا با عوض شدن راه و قاعده باز هم مردم عبد و تسلیم می‌مانند؟ مثلاً فرد مسیحی با آمدن پیامبر جدید، او را می‌پذیرد یا به راه خود اصرار می‌کند. این خاصیت نفس ماست که دچار نیروی اینرسی می‌شود؛ یعنی می‌خواهد در وضعیت فعلی خود (وضعیتی که به آن خو کرده است) باقی بماند. دچار شدن به اینرسی در اعتقادات و اسیر این تله‌ی ذهنی شدن، بسیار خطرناک است.

گسترده‌گی حوزه‌ی فواحش

خدا در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی اعراف می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَأَلْثَمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ «بگو: "خداوند، تنها اعمال زشت را چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است و (همچنین) گناه و ستم به ناحق را و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید."» فحشا را اگر بخواهیم ریشه‌ای معنا کنیم به معنای تعامل با ظلم است؛ یعنی در تعاملات ما با دیگران یا خودمان و خدا ظلم صورت بگیرد. متأسفانه ما فحشا را فقط به معنای گناهان جنسی می‌دانیم؛ اما اینطور نیست و نماز خواندن در زمین غصبی نیز فحشا است. امام کاظم در پاسخ به پرسش از آیه‌ی «بگو، پروردگرم بدی‌های آشکار و پنهان را حرام کرده است» فرمود: «قرآن ظاهری دارد و باطنی. تمام آنچه را که خداوند در قرآن حرام کرده، ظاهر است و باطن آنها پیشوایان ستمگرند و همه‌ی آنچه را که خداوند در کتاب خود حلال شمرده همان ظاهر است و باطن آنها امامان حق هستند.» (کافی، ج ۱، ص ۳۷۴)

یعنی هر عملی که حول ولایت امام حق نباشد، باطل و بی‌ارزش و فحشا است.

گاهی شیطان ما را مستقیماً به فحشا دعوت نمی‌کند؛ بلکه با قطع ارتباط ما با ائمه‌ی حق، عمل ما را هر چند عظیم و کثیر باشد، بی‌اثر می‌کند؛ پس باید به نشانه‌های الهی حساس باشیم و دائماً عقاید و مسیر خود را چک کنیم، مبادا در راه و جهت اشتباه و ظالم باشیم و ندانیم و دچار خسران شویم؛ پس فحشاها، همه نتیجه هستند و باطن همه‌ی آنها ولایت ائمه‌ی کفر و پذیرش

انتخاب اوصیاء انبیاء

در ادامه‌ی دعا به این فراز می‌رسیم: «وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مَدَّةٍ إِلَى مَدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ»؛ «و جانشینانی اختیار کردی، نگهبانی پس از نگهبان از زمانی تا زمانی دیگر، برای برپاداشتن دینت و حجتی بر بندگانت.» برای شرح این فراز باید کمی در مورد وصی صحبت کنیم. ساده‌ترین معنای وصی این معناست که هر فرد پیش از مرگ خود وصیت‌نامه‌ای تنظیم می‌کند و اجرای آن را به وصی خود می‌سپارد؛ پس بازماندگان برای اجرای وصیت‌نامه و فهم ناگفته‌های آن باید به وصی فرد رجوع کنند. حالا به وصیت پیامبر توجه کنید: «همانا من دو چیز گران‌بها را در میان شما باقی می‌گذارم، کتاب خدا و اهل‌بیتم را. تا زمانی که به این دو چیز گران‌بها تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد؛ این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه روز قیامت در کنار حوض کوثر نزد من برگردند.» (بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، ج ۱، ص ۴۱۳)

خب ببینید که عده‌ای بعد از پیامبر چگونه وصیت پیامبر را نادیده گرفتند و نه تنها اهل‌بیت را کنار زدند؛ حتی قرآن را بنا به میل خود تفسیر کردند. امام در دعای ندبه می‌فرماید: «خدایا تو وصی و جانشین انبیاء را برایشان اختیار و انتخاب کردی و به انتخاب خود انبیاء نبوده است.» خود خدا امیرالمؤمنین را به عنوان وصی پیامبر انتخاب کرده و در مورد ابلاغ آن به مردم با لحنی توبیخی به پیامبر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ «ای پیغمبر آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای و خدا تو را از (شر) مردمان محفوظ خواهد داشت (و دل قوی دار که) خدا کافران را (به هیچ راه موفقیتی) راهنمایی نخواهد کرد.» (مائده / ۶۷)

پیامبر هم این وصایت را به گونه‌ای به مردم ابلاغ کرد که حجت تمام شود و راهی برای بهانه‌جویی کسی باقی نماند؛ مثلاً در جمع کثیر حجاج آن را اعلام کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ»

و هذا علی مولاہ...» در ادامه می‌فرماید: «و جانشینانی اختیار کردی، نگهبانی پس از نگهبانی...»

مستحفظ به معنی نگهبان است؛ اما نه هر نگهبانی؛

بلکه نگهبانی که دقیق و حساس و امین است

پس خدا ۱۲ وصی پیامبر و وظیفه و مدت زمان وصایت هر کدام را از ابتدا تعیین کرده بود با این حال با وجود روشنی راه و تعیین جانشینان پیامبران توسط خود خدا، باز هم مردم نافرمانی کردند و وصی پیامبران را نه تنها انکار که آزار و اذیت فراوان کردند.

در واقع خدا حجت را تمام کرده است؛ اما در نهایت کسی نمی‌تواند فردی که خودش را به خواب زده و بنای لجاجت دارد را بیدار کند.

نمایندگانی برای اقامه‌ی دین

جمله‌ی بعدی فراز به هدف این تعیین جانشینان اشاره دارد و می‌فرماید: «جانشینانی اختیار کردی... برای اقامه‌ی دینت» یعنی برپایی و اقامه‌ی دین بزرگترین هدف است؛ یعنی خدا همواره نماینده‌ای دارد که وظیفه‌اش حفاظت از دین و اقامه‌ی آن است.

اقامه‌ی دین به خصوص اقامه‌ی اجتماعی دین، کار هر کسی نیست؛ بلکه لطف خداست.

به علاوه خدا، اولین‌ها را جور دیگری دوست دارد؛ یعنی کسی که اول از همه برای اقامه‌ی دین قیام کند؛ یعنی «والسابقون السابقون». در جنگ احزاب شرایط چنان بر مسلمانان سخت شده بود که برای حفاظت از خود، مجبور به حفر خندق شدند. هیچ‌کس توان رویارویی با دشمن را نداشت. در چنین وضعیتی عمر بن عبدود، پهلوان و جنگجوی دشمن از خندق گذشت و تنها امیرالمؤمنین به نبرد با او رفت. به دلیل شرایط خاص جنگ احزاب و پیش‌قدمی امام علی در دفاع از دین بود که این حدیث در شأن ایشان ذکر شد: «ضربت علی در روز خندق از عبادت ثقلین (جن و انس) پُر فضیلت‌تر است.» (الخصال، ص ۵۷۹)

چون اگر امیرالمؤمنین در این جنگ نبود، کار مسلمانان تمام بود. عمر بن عبدود، سلبریتی اعراب قریش و کفار و شخصیتی بزرگ در زمان خودش بود؛ یعنی امیرالمؤمنین کل سرمایه‌ی اجتماعی

اعراب را زمین زد.

اقامه‌ی دین در آخرالزمان

در ایام عمر هر یک از ما هم، چنین فرصت‌هایی پیش می‌آید و باید با بصیرت و اخلاص، زمان آن را تشخیص دهیم و نقش خودمان را در اقامه‌ی دین پیدا کنیم.

اقامه‌ی دین در آخرالزمان باید به موقع و هوشمندانه باشد.

بدانید که اقامه‌ی دین در آخرالزمان آسان هم نیست. باید آزار و توهین و تمسخرها را به جان بخریم و استقامت کنیم.

استقامت یعنی ایستادگی کردن نه ایستادن

اصلاً وظیفه‌ی ما در ایام غیبت، اقامه و زنده نگه داشتن دین است.

وقتی برای اقامه و زنده نگه داشتن دین قیام کنیم، خودمان هم زنده می‌شویم. درست مانند حاج قاسم سلیمانی که هم، نام و محبتش جهانی شد و هم خورش منشأ اثر شده است.

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: مراسم دعای ندبه (جلسه بیست و هفتم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی‌پور، بهمن ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdian](https://www.mahdian.com)